



انتخابات سال ۲۰۱۷ در ایران

امید به دموکراسی رو به خاموشی می‌گذارد

لادن برومند

ترجمه فارسی از مؤسسه توانا

لادن برومند از موسسان بنیاد عبدالرحمن برومند برای حقوق بشر و دموکراسی در ایران است. او مقالات متعددی درباره تروریسم، انتخابات، اصلاحات، و جامعه مننی در ایران پس از انقلاب منتشر کرده است.

در ماه مه سال ۲۰۱۷، رای دهندگان ایرانی به پای صندوق‌ها رفتند تا رییس جمهورشان را انتخاب کنند. به دلیل عدم حضور ناظران مستقل، ما تنها می‌توانیم نتایج غیرقابل تأیید را ذکر کنیم که وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده است. اول اینکه ارقام اعلام شده حاکی از آن هستند که ۷۳ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت کرده‌اند. اگر این موضوع حقیقت داشته باشد، این بالاترین رقم مشارکتی نیست که جمهوری اسلامی تا کنون ادعا کرده است، اما با معیارهای ایران رقم بالایی محسوب می‌شود. این رقم در مقایسه با میزان مشارکت معمول در کشورهای دموکراتیک نیز رقم بالایی به حساب می‌آید، و در نتیجه به رجزخوانی درباره برتری «جمهوری اسلامی» ایران نسبت به سیستم‌های دیگر (مانند ایالات متحده) که مشارکت در آن‌ها عموماً پایین است کمک می‌کند.

قطعا رهبران جمهوری اسلامی برای اثبات حمایت قوی مردم ایران از رژیم اسلامی و باورشان به مفهوم دموکراسی اسلامی، از اعلام رقم ۷۳ درصد خوشنود بوده‌اند. (۱) طبق ارقام رسمی، پیروز قاطع انتخابات رییس جمهور حاکم، حسن روحانی بود. او ۵۷ درصد آرا را به دست آورد. رقیب اصلی او، یک روحانی دیگر شیعه و دادستان سابق دادگاه انقلاب به نام ابراهیم رئیسی بود که تنها ۳۸ درصد آرا را از آن خود کرد. برداشت رسانه‌های جریان غالب از این انتخابات، پیروزی «اصلاحات» و «بازشدن» درب‌ها و شکست خوردن محافظه‌کاری ایدئولوژیک، عوام‌گرایی، و سیاست‌هایی بود که به انزوای ایران منجر می‌شوند. (۲)

اما چنین دیدگاهی از کارکرد واقعی انتخابات در جمهوری اسلامی غافل هستند. انتخابات در ایران به آن معنایی نیست که ناظران غربی عموماً فکر می‌کنند، یعنی این دیدگاه که: انتخابات مکانیسمی است که حق حاکمیت مردم را در بدنه‌ی سیاست اعمال می‌کند و در ابعاد گسترده‌تر، خواسته‌های آنان را در سیاست‌های عمومی منعکس می‌کند.

اما قانون اساسی سال ۱۳۵۸ جمهوری اسلامی دیدگاهی کاملاً متفاوت را ارائه می‌کند. خداوند حاکم مطلق و یگانه است، و حکومت خداوند از طریق ولی فقیه اعمال می‌شود که قدرتش، که بازتاب قدرت خداوند است، مطلق در نظر گرفته شده است. حق حاکمیت خداوند از طریق بدنه‌ی غیرانتخابی (انتصابی) حکومت اعمال می‌شود (مانند دوازده عضو شورای نگهبان که توسط بند ۹۱ مستقر شد) که قدرت تأیید و رد صلاحیت نامزدهای انتخاباتی و تو کردن قوانین تصویب شده توسط بدنه‌های انتخابی مانند مجلس را دارند. (۳)

قدرت بخش انتصابی در تشخیص صلاحیت به قدری گسترده است که نه تنها برای رد صلاحیت مخالفان و معترضان، که برای رد صلاحیت صدها عضو الیگارش‌ی حاکم نیز که قبلاً واجد شرایط شناخته شده بودند نیز استفاده شده است. به عبارت دیگر، از این قدرت می‌توان برای تصفیه «خودی‌هایی» استفاده کرد که علیه گروه‌های خودی دیگر اقدام می‌کنند. این قدرت سلاحی است که در

منازعات گروهی که درست در زیر سطح یا پوسته‌ی رژیم اتفاق می‌افتند به کار گرفته می‌شود. به دلیل نظریه‌ی حکومت الهی در جمهوری اسلامی و ماهیت الیگارشیک آن، این امر نباید باعث تعجب شود که طبق بند ۶ قانون اساسی، انتخابات تنها به عنوان تجلی «افکار عمومی» در اداره امور کشور در نظر گرفته شده‌اند. در چنین سیستمی، واقعا انتخابات تا چه اندازه می‌توانند ما را از وضعیت نیروهای دموکراسی‌خواه - و چشم انداز دموکراسی - در ایران امروز آگاه کنند؟

شاید انتخابات می‌تواند به ما گفتنی‌هایی به همراه داشته باشد. در طول عمر آیت‌الله روح‌الله خمینی، رهبر اول و بنیانگذار جمهوری اسلامی، انتخابات ریاست جمهوری کاملا بی‌معنی بود. رئیس‌جمهور عملا توسط خمینی منصوب می‌شد. او بین گروه‌های مختلف درون رژیم حکمیت می‌کرد و یک نفر را برمی‌گزید، و به دنبال آن کمپینی مصنوعی با چند نامزد انتخاباتی به راه می‌افتاد. نامزد منتخب خمینی همیشه برنده می‌شد.

با مرگ خمینی در سال 1989، گذار موفقیت آمیز به دموکراسی در بسیاری از نقاط جهان در دهه 1990، و انقلاب دیجیتال در اوایل قرن بیست و یکم، اوضاع تغییر فراوانی کرد. منازعات قدرت درونی جمهوری اسلامی شدیدتر و پنهان‌کردنشان سخت‌تر شد، و حکومت ایران حق انحصار خود بر «حقیقت» را پس از ورود تکنولوژی جدید که کنترل اطلاعات را تضعیف می‌کرد از دست داد.

اگرچه اهرم‌های اصلی قدرت کماکان در دست رهبر معظم و منصوبان او است، مشاوره با مردم از طریق انتخابات برای رژیم به امری حیاتی تبدیل شده است. انتخابات ابزاری است که از طریق آن، گروه‌های رقیب در درون رژیم بدون دست زدن به خشونت منازعات ایدئولوژیک و سیاسی خود را حل و فصل می‌کنند. کارکرد ایدئولوژیک انتخابات نیز به همان اندازه یا حتی بیشتر از آن اهمیت دارد، زیرا جایگاه حکومت را هم در داخل و هم خارج تقویت می‌کند. **شهروندان با رای دادنشان در واقع رژیمی را تایید می‌کنند که حق حکومت را از آنان گرفته است. آنان خواه ناخواه بخشی از سیستمی می‌شوند که سرکوبشان می‌کند.** رهبران ایران، همانطور که قبل‌تر اشاره کردیم، این مراسم را یک ابراز تایید و ایمان عمومی مردم به کلیت سیستم تلقی می‌کنند. (۴) در نتیجه، هرچه مشارکت بیشتر باشد، رژیم در برابر شهروندان خود قدرت بیشتری پیدا می‌کند، و در عرصه جهانی از اعتماد به نفس بالاتری برخوردار می‌شود، و در مبارزه درازمدت خود بر علیه لیبرال دموکراسی جرات بیشتری پیدا می‌کند.

این انحراف قابل توجه یکی از نهادهای کلیدی دموکراسی (انتخابات) و تبدیل آن به ابزاری ضد دموکراسی، برای رژیم کاملا بدون خطر نیست. (۵) چون انتخابات به جامعه مدنی امتیازاتی، هرچند کوچک، می‌دهند. در بیست سال گذشته، نیروهای دموکراسی خواه ایران تلاش کرده‌اند تا از این امتیاز برای تبلیغ حقوق بشر و دموکراسی استفاده کنند. آنان وارد معامله‌ی میان گروه‌های الیگارشی رقیب شده‌اند. در نتیجه، اگر چه ما نمی‌توانیم انتخابات در جمهوری اسلامی را به عنوان نمادی از آزادی انتخاب برای شهروندان ایران بدانیم، اما در هر حال باید آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم زیرا آن‌ها درباره تنش‌های درونی رژیم و قدرت و سرزندگی جامعه مدنی اطلاعاتی می‌دهند.

انتخابات سال ۲۰۱۷ بر سر چه موضوعاتی بود؟

از اواخر دهه ۱۹۹۰، الیگارشی حاکم در ارتباط با ایدئولوژی حکومت به سه دسته تقسیم شد. «اصلاح طلبان» در دوران حکومت محمد خاتمی از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ قدرت را در دست گرفتند آنان بدون اینکه قدرت رهبر معظم را به چالش بکشند، خواهان جامعه‌ای آزادتر و متساهل‌تر شدند، خواهان کاهش سانسور در امور فرهنگی و مطبوعات شدند، اجازه‌ی استقرار سازمان‌های مدنی نیمه‌مستقل را دادند، و برای کاهش تبعیض قانونی علیه زنان تلاش‌هایی کردند. آنان همچنین در برابر مخالفان سیاسی و مذهبی خواهان مدارای بیشتر شدند و از محدود کردن قدرت شورای نگهبان (که به شدت این موضوع که چه کسی برای مجلس نامزد می‌شود را کنترل می‌کند) حمایت کردند.

به طور خلاصه، اصلاح طلبان تلاش کردند تا سیاست‌های شبه دموکراتیک را در یک نظام مذهبی توتالیتر جای بیاندازند. شکست آنان در این مأموریت دون کیشوت وار کاملا قابل پیش‌بینی بود. در اواخر دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی، خادمان سنت گرایی رژیم واکنش نشان دادند. آنان شمار کثیری از نامزدهای اصلاح طلب انتخابات سال ۲۰۰۴ مجلس و سال ۲۰۰۵ ریاست جمهوری را رد صلاحیت کردند، و چهره‌های اصلاح طلب را از جایگاه‌های تصمیم‌گیری در حکومت کنار گذاشتند.

اما اصلاح طلبان تسلیم نشدند. در سال ۲۰۰۹، آنان از نامزدی نخست وزیر سابق، میرحسین موسوی، حمایت کردند. او خواهان اصلاحات بیشتر، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مدارا، و آزادی‌های اجتماعی بیشتر شد. وقتی که نتایج رسمی از پیروزی و کاندیدای عوامگرا و تندرو و رئیس‌جمهور وقت، محمود احمدی‌نژاد، خبر دادند، میلیون‌ها نفر در اعتراض به این امر به خیابان‌ها ریختند. رژیم به شدت علیه این «موج سبز» واکنش نشان داد و آنان را با خشونت سرکوب کرد که نتیجه آن کشتگان بسیار و هزاران زندانی تحت شکنجه بود.

موسوی و یک چهره اصلاح طلب دیگر بدون دادگاه تحت حبس خانگی قرار گرفتند. برای چهره‌های اصلاح طلب دیگر دادگاه‌های نمایشی برگزار و حکم‌های زندان طولانی صادر شد. شورای نگهبان باقی‌مانده اصلاح طلبان را از نامزدی در انتخابات منع کرد، که این امر به تغییراتی جدی در الیگارشی سیاسی ایران منجر شد. کمپین سرکوب، تهدید، و محرومیت، جنبش اصلاح را که زمانی پر انرژی و قدرتمند بود به سایه‌ای ضعیف از دوران اوجش تبدیل کرد. صادق‌ترین فعالان آن ایده‌ی «ترمیم» جمهوری اسلامی را کنار گذاشتند و به مخالفت با کلیت رژیم پرداختند. آنان که اصلاح طلب باقی ماندند ایده‌های دموکراتیک خود را در گنج‌ها گذاشتند و در پی ردصلاحیت گسترده نامزدهایشان، در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۷ از چهره‌هایی سیاسی حمایت کردند که اصلاح طلبان در گذشته آنان را محکوم کرده و از خود رانده بودند.

گروه مورد حمایت مذکور «واقع‌گرایان» بودند (که گاه به آنان عملگرا یا میانه رو نیز گفته می‌شد). این گروه زمانی توسط اکبر هاشمی رفسنجانی (۱۹۳۴-۲۰۱۷) هدایت می‌شد که از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷ رییس جمهور ایران بود. آنان حاضر بودند که محدودیت‌های مذهبی را کاهش دهند و میزانی از آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی را تحمل کنند، در عین حال خواهان مذاکره مستقیم با ایالات متحده و به طور کلی رفتار بین‌المللی ملایم‌تری بودند. اما واقع‌گرایان با هرگونه باز شدن فضای سیاسی داخل ایران مخالف بودند و به حمایت از قدرت مطلق رهبر معظم ادامه دادند.

رفسنجانی در سال ۲۰۱۳ مجدداً برای دستیابی به ریاست جمهوری تلاش کرد اما شورای نگهبان او را رد صلاحیت کرد. این موضوع به نامزدی روحانی منجر شد. بنیانگذار حزب عدالت و توسعه، سال‌ها درگیر مذاکرات هسته‌ای بود و هم رهبر معظم و هم رفسنجانی به او اعتماد داشتند. در امور داخلی، منتهای وعده روحانی این بود که خشونت دولت علیه جامعه را کاهش دهد و از قانون اساسی جمهوری اسلامی که چارچوبی تبعیض آمیز و محدود کننده دارد تبعیت کند. روحانی هیچگاه از دموکراسی‌خواهی یا آزادی‌های سیاسی حمایت و دفاع نکرده است. حتی انگار برای اینکه این موضوع را پررنگ تر کند، او مصطفی پورمحمدی را به عنوان وزیر دادگستری خود معرفی کرد، که به همراه ابراهیم رئیسی اعضای گروه بدنام «کمیته مرگ» در اواسط سال ۱۹۸۸ بودند که حداقل سه هزار زندانی سیاسی را با فرمان سری خمینی اعدام کردند. (۶)

در سال ۲۰۱۷، روحانی می‌توانست ادعا کند که وعده اصلی انتخاباتی خود در سال ۲۰۱۳ را با موفقیت جامه عمل پوشانده است: او توانست تحریم‌های بین‌المللی علیه برنامه اتمی ایران را بردارد و به انزوای کشور در جامعه ملل خاتمه دهد. او همچنین به وعده اش برای افزایش سرعت اینترنت عمل کرد، در برابر فشار تندروها برای فیلتر کردن تلگرام (برنامه امن پیغام رسانی که یک پنجم جمعیت هشتاد میلیونی ایران از آن استفاده می‌کنند) مقاومت کرد.

اما روحانی به وعده خود برای اعمال حتی همان حقوق شهروندی محدودی که در قانون اساسی سال ۱۹۷۹ به رسمیت شناخته شده‌اند عمل نکرد. دوره اولیه او شاهد افزایش عظیم آمار اعدام‌های بدون روند قانونی بود. (۷) مجلس وزیر علوم او را به خاطر دفاعش از استقلال دانشگاه‌ها استیضاح کرد. (روحانی با افسوس استیضاح را پذیرفت و او را به عنوان مشاور خود در امور علوم و آموزش برگزید.)

در دوران نامزدی‌اش برای دور دوم ریاست جمهوری، روحانی از ادامه مذاکرات با غرب دفاع کرد، و خواهان محدودیت نقش گسترده‌ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اقتصاد شد، چون این نقش یکی از دلایل اصلی تحریم‌های بین‌المللی است. (۸) او خواهان سیاست خارجی کمتر تهاجمی، بخش خصوصی رقابتی‌تر، آزادی اجتماعی و فرهنگی بیشتر، و توریسم بیشتر شد. او آنان که محدودیت‌های خشن مذهبی بر مردم اعمال می‌کنند را به انتقاد گرفت. از همان آغاز اینگونه تصور می‌شد که روحانی شانس بیشتری برای پیروزی دارد.

رئیس نامزد دسته‌ای در درون رژیم است که «اصولگرا» خوانده می‌شوند (به آنان محافظه‌کار نیز گفته می‌شود). این گروه از الیگارشی به شدت با هرگونه تغییر بزرگ مخالفت و از قدرت مطلق رهبر معظم حمایت می‌کند. آنان حکومت قوانین خشک مذهبی و کنترل زندگی فرهنگی و اجتماعی شهروندان بر اساس آن قوانین را تبلیغ می‌کنند. پس از خدمت در «کمیته مرگ» رئیسی به خدمت در قوه قضاییه ادامه داد و در نهایت به دادستانی کل کشور رسید، تا اینکه خامنه‌ای او را به ریاست بزرگترین موسسه مذهبی کشور منصوب کرد. جفری رابرتسون، وکیل بین‌المللی حقوق بشر، رئیسی را به جرایم علیه بشریت متهم کرده است. (۹) برای رئیسی و باقی اصولگرایان، هرگونه مخالفت ایدئولوژیک نوعی فساد و کفر علیه جمهوری مقدس اسلامی محسوب می‌شود. (۱۰) او به عنوان یک عوامگرا به تبلیغات انتخاباتی پرداخت و وعده‌ی کمک‌های مالی به طبقات و قشرهای مختلف مردم داد. در سیاست خارجی، او از مذاکرات اتمی روحانی انتقاد کرد، از این نظر که موضع دفاعی جمهوری اسلامی را تضعیف کرده است. او وعده داد که جمهوری اسلامی را به موضع قدرت در روابط بین‌المللی بازگرداند.

در نتیجه الیگارشی جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۷ باید بین دو گزینه تضاد و آشتی انتخاب می‌کرد. این موضوع هم در امور داخلی و هم در عرصه خارجی صدق می‌کرد. آیا رژیم باید در برابر میل ایرانیان به رفع محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی کوتاه

بیاید؟ آیا باید جاه طلبی‌های بین‌المللی خود را کمتر کند تا از شکل‌گیری یک بلوک منطقه‌ای ضد تهران و ریسک جنگ جلوگیری کند؟ روحانی، با وجود اینکه به هیچ وجه یک دموکرات محسوب نمی‌شود، حاضر بود به هر دوی این پرسش‌ها پاسخ مثبت مشروط بدهد. رئیسی حاضر به این کار نبود.

نیروهای دموکراسی‌خواه امروز

پس از شکست اصلاح طلبان به رهبری خاتمی، دموکراسی‌خواهان ایران متوجه شدند که بدون اعمال تغییرات جدی در قانون اساسی، انتخابات به بن بست می‌رسند. حتی اگر به اصلاح طلبان اجازه‌ی نامزدی و پیروزی در انتخابات داده می‌شد، شورای نگهبان راه آنان را سد می‌کرد. در نتیجه دموکراسی‌خواهان ایران تصمیم گرفتند تا تمامی ارتباطات خود با الیگارش‌ها، از جمله با اصلاح طلبان را قطع کنند. در عوض دموکراسی‌خواهان شروع به سازماندهی نهادهای جامعه مدنی کردند تا حقوق بشر و دموکراسی را به جنبش‌های مردمی و از پایین به بالا تبدیل کنند. از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶، گروه‌های متعددی به پیشبرد حقوق زنان، اقلیت‌های مختلف، و شهروندان به طور کلی، در سراسر فضای اجتماعی شکل گرفتند. (۱۱)

در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۵، دانشجویان و فعالان حقوق زنان – دو گروهی که طلایه دار جنبش دموکراسی خواهی محسوب می‌شوند – به حمایت از وزیر سابق علوم و نامزد اصلاح طلب، مصطفی معین، پرداختند. او در دور اول انتخابات نتایج ضعیفی کسب کرد، اما فعالان دور دوم انتخابات را که در آن احمدی‌نژاد رفسنجانی را شکست داد تحریم کردند. سرکوب شدید در دوره اول احمدی‌نژاد فضای کمی برای مانور در جامعه باقی گذاشت، و به همین دلیل بود که انتخابات سال ۲۰۰۹ از چنان اهمیتی برخوردار شد. چون رژیم بر طبق سنت در دوران انتخابات محدودیت‌ها بر آزادی بیان را تا زمان رای‌گیری کاهش می‌دهد، و دموکراسی‌خواهان تلاش داشتند تا از این باز شدن اندک فضا برای پیشبرد اهدافشان استفاده کنند.

مقایسه میان انتخابات سال ۲۰۰۹ و سال ۲۰۱۷، تأثیرات ویرانگر آزار و سرکوب مداوم حکومت بر نیروهای دموکراسی‌خواه درون ایران را به خوبی نشان می‌دهد. در سال ۲۰۰۹، دموکراسی‌خواهان امکان سازماندهی داشتند، امکان دسترسی به اکثریت مردم را داشتند، و می‌توانستند با نامزدها و نمایندگانشان در دانشگاه‌ها آزادانه ملاقات کنند، و خواسته‌هایشان برای برابری جنسیتی، حقوق بشر، و دموکراسی را اعلام کنند. آنان به قدری در این امر موفق بودند که عملاً رهبران مناظرات عمومی شدند و بر وعده‌ها و اهداف نامزدهای اصلاح طلب تأثیر گذاشتند. (۱۲)

هشت سال بعد، پس از سرکوب موفقیت آمیز موج سبز، دستگاه اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی بسیار انعطاف کمتری از خود نشان می‌داد. دستگاه اطلاعاتی از موضوع قدرت اقدام می‌کرد و خود به این امر واقف بود. در دسامبر ۲۰۱۶، دانشجویان از این موضوع شکایت می‌کردند که روحانی و دولتش هیچ کاری برای محافظت دانشجویان و سازمان‌هایشان در برابر سرویس‌های امنیتی انجام نمی‌دهند. خود روحانی هم از این امر اظهار تاسف کرده بود که در عملی کردن وعده‌هایش به دانشجویان شکست خورده است.

آزار و اذیت‌های رژیم هزینه فعالیت را بسیار بالا برد. این امر تنها در کلیت جامعه نبود، بلکه مهم‌تر از آن، در فضاهایی که به طور سنتی محل اصلی شکل‌گیری و رشد مخالفان رژیم در این جامعه جوان هستند، یعنی دانشگاه‌ها، بیشتر قابل لمس بود. با نزدیک شدن انتخابات سال ۲۰۱۷، فشارها بر دانشجویان، فعالان حقوقی، روزنامه‌نگاران اصلاح طلب، و مخالفان به حد وحشتناکی رسید. (۱۳) می‌توان گفت که در اواسط ماه مارس (حوالی نوروز) این فشار به بالاترین حد خود رسید، زمانی که کانال‌های تلگرامی اصلاح طلب یا حامی روحانی بسته شدند و گردانندگانشان به زندان افتادند. (۱۴) مجموعه‌ای از ۳۵ انجمن دانشجویی به روحانی به دلیلی انفعالش در برابر تهدیدات نیروهای امنیتی علیه فعالان دانشجویی شکایت کردند. سردبیران نشریات دانشجویی چند ملاقات با مقامات داشتند تا از آنان درباره وضعیت روزنامه‌نگاران و مخالفان زندانی پرسند، اما فراتر از این روش‌های نرم فعالیت دانشجویی خاصی دیده نمی‌شد.

همین توصیف نرمش و احتیاط را می‌توان برای فعالان حقوق زنان به کار برد که دیگر طلایه داران نیروهای دموکراسی‌خواه محسوب می‌شوند. آنان به انتشار مجموعه‌ای از خواسته‌های خود در زمینه قوانین تبعیض آمیز علیه زنان، برابری در بازار کار، و انتصاب زنان در بالاترین جایگاه‌های سیاسی قناعت کردند. (۱۵) آنان نیز معترف بودند که تحمل آزارهای حکومت ظرفیت حرکت آنان را تضعیف کرده است.

انتخابات ۲۰۱۷ آشکار کننده‌ی این امر است که تا چه اندازه فعالان حقوقی حد انتظارات خود را پایین آورده‌اند. عبارت «حقوق جهانی بشر» در طول این انتخابات شنیده نشد. دکتر معین که در سال ۲۰۰۵ وعده ایجاد وزارت حقوق بشر و برابری جنسیتی را داده بود، در سال ۲۰۱۷ گفت که فقط امیدوار است که روحانی افراد با کفایت را به کار بگمارد، به عادی سازی روابط بین‌المللی

ایران ادامه دهد، و به سازمان‌های غیر دولتی مجوز بدهد. (۱۶) در سال ۲۰۰۹، کمپین موسوی رنگ سبز را به عنوان رنگ اصلاحات برگزید. در سال ۲۰۱۷، روحانی رنگ بنفش را انتخاب کرد. در گردهمایی‌های او، حامیان فریاد می‌زدند: «ما همه سبز بودیم، (باتوم) پلیس بنفشمان کرد!»

ایرانیان دموکراسی‌خواه در دوران انتخابات همواره از خود پرسیده‌اند که در میان گزینه‌های پیش رویشان کدام یک کمتر از بقیه شیطانی است، تا او را برگزینند. در سال ۲۰۱۷، در پاسخ به این سوال اتفاق نظری وجود نداشت: گروه‌های سکولار به برخی سازمان‌های جامعه مدنی پیوستند و انتخابات را تحریم کردند، و در رسانه‌های اجتماعی دلیل خود را اینگونه بیان کردند که بدون وجود هیچ پتانسیلی برای دموکراسی در چشم انداز، مشارکت در این انتخابات تنها به رژیم مشروعیت داده و آن را قدرتمندتر می‌کند. آنان معتقد بودند که نتیجه دراز مدت انتخابات آنان که رای دادند را سرخورده می‌کند و منجر به بی‌تفاوتی و ناامیدی بیشتر نسبت به فعالیت سیاسی خواهد شد. (۱۷) کمپین تحریم انتخابات در ایران غیرقانونی اعلام شد، اما این تنها دلیل عدم تأثیرگذاری مفید آن نبود. بخش بزرگی از واجدان شرایط تصمیم به رای دادن گرفتند و در میان آنان بسیاری با تمایلات دموکراتیک وجود داشتند.

پس چرا آنان در انتخابات مشارکت کردند و رژیم را با حضور (ظاهراً) بالای خود خشنود کردند؟ اینترنت سریع، کمی آزادی فرهنگی بیشتر، کمی تورم کمتر، از جمله بزرگترین و معمول‌ترین دلایلی بودند که حامیان روحانی ذکر کردند. اما جذابیت اصلی او شاید به خاطر ظرفیت او در کاهش تنش‌های بین‌المللی و ایجاد احساس ثبات در دورانی ناامن و در منطقه‌ای رنج دیده بود. به عبارت دیگر، روحانی از ترس مردم از سرکوب، تحریم‌ها، جنگ، و آشوب بهره برد. ترس باعث شده است تا مردم ایران دموکراسی را به عنوان یک کالای لوکس ببینند که هزینه‌ی آن در بستر بین‌المللی کنونی بالاتر از حد توان آنان است. در اینجا ما می‌توانیم ارتباط و همبستگی میان شکست‌های سال‌های اخیر لیبرال دموکراسی در سراسر جهان را یا شکست و عقب رانده شدن آن در ایران پیدا کنیم.

سرکوب و خشونت حکومتی به تنهایی نمی‌توانند تسلیم شدن نیروهای دموکراسی‌خواه در برابر شرایط موجود را توضیح دهند. آنان سرکوب‌های شدیدتری را از سر گذرانده‌اند، مانند سال ۱۹۹۹، ۲۰۰۳، و ۲۰۰۵. آنچه تغییر کرده است وضعیت لیبرال دموکراسی در منطقه و جهان است. در منطقه، امیدها به اینکه شاید دموکراسی در همسایه‌های ایران، عراق و افغانستان، پای بگیرد جای خود را به این وحشت داده است که جنگ داخلی و تبدیل شدن به یک حکومت فشل شده سرنوشته هر حکومتی در خاورمیانه خواهد بود که حکومتش بی‌ثبات شود. در سطح جهانی، «رکود دموکراتیک» بین‌المللی و افزایش بی‌میلی غرب به انتقاد از حکومت‌های اقتدارگرا موجب تضعیف روحیه دموکراسی‌خواهان ایرانی شده است، و به آنان این تصور نگران‌کننده را داده است که دنیا با آرمان‌های آنان همدلی کمتری دارد.

پاورقی

1 - حسین اشتری، رئیس سرویس‌های امنیتی جمهوری اسلامی، از انتخابات اینگونه یاد کرد «صحنه درخشش ملت ایران و خلق حماسه عظیم و جلوه بی‌بدیل از مردم سالاری دینی بود که عظمت و سربلندی ملت و استحکام پایه‌های نظام اسلامی را به نمایش گذاشت.» ایسنا. ۳۱ مه ۲۰۱۷. www.isna.ir/news/96031006309

2 - See, for example, Mick Krevier, Mohammed Tawfeeq, and Joe Sterling, "Iranian President Hassan Rouhani Wins Re-election in Victory for Moderates," CNN, 20 May 2017, <http://edition.cnn.com/2017/05/20/middleeast/iran-rouhani-election/index.html>

3 - Ladan Boroumand and Roya Boroumand, "Is Iran Democratizing? Reform at an Impasse," *Journal of Democracy* 11 (October 2000): 114-28.

4 - آیت الله احمد جنتی رییس شورای نگهبان گفت که حضور بالای مردم نشان دهنده‌ی «اعتماد مردم به رژیم است.» ایسنا. ۱۰ ژوئن ۲۰۱۷. www.isna.ir/news/96032011057

5 - برای تحلیل قضایی سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی، به فرید حکمت رجوع کنید. (F.Peykan), "Neither Free Nor Fair, Elections in the Islamic Republic of Iran," Abdorrahman Boroumand Foundation, June 2009, www.iranrights.org/library/document/604/NeitherFreeNorFairElectionsInTheIslamicRepublicOfIran.

- 6 - قتل عام زندانیان سیاسی در ایران، ۱۹۸۸: گزارش تحقیقی که توسط جفری رابرتسون انجام گرفت. (بنیاد عبدالرحمن برومند، ۲۰۱۱)، ۱۱۴.
- 7 - براساس آمار موسسه برومند، آمار اعدامیان در ایران در سال‌های ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، و ۲۰۱۶ به ترتیب ۹۷۰، ۱۰۵۵، و ۵۷۶ بود. «اعدام‌های گزارش شده در ایران»، www.iranrights.org/newsletter
- 8 - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برنامه اتمی ایران را کنترل می‌کند.
- 9 - رابرتسون، قتل عام زندانیان سیاسی در ایران.
- 10 - «داستان کل ایران: ما مقدس هستیم، قوه قضاییه ما مقدس است، و رژیم ما مقدس است»، ایسنا، ترجمه. بنیاد عبدالرحمن برومند، ۲۶ فوریه ۲۰۱۵. www.iranrights.org/library/document/2911
- 11 - لادن برومند، «جامعه مدنی پر استقامت ایران: داستان ناگفته‌ی مبارزه برای حقوق بشر»، ژورنال دموکراسی ۱۸ (اکتبر ۲۰۰۷): ۶۴-۷۹
- 12 - Ladan Boroumand, "Iran in Ferment: Civil Society's Choice," *Journal of Democracy* 20 (October 2009): 16-20
- 13 - رجوع کنید به بیانیه مشترک ۳۵ گروه دانشجویی، «ایران تحت خطر بازداشت»، ۱۹ مارس ۲۰۱۷ (به فارسی)، www.iran-emrooz.net/index.php/news1/2017-03-19_2342
- 14 - «ایران: بازداشت‌ها و تهدید گردانندگان کانال‌های تلگرامی و خبرنگاران پیش از انتخابات»، بند ۱۹، ۱۷ مارس ۲۰۱۷، www.article19.org/resources.php/resource/38678/en/iran:-arrests-and-intimidation-of-telegram-administrators-and-journalists-ahead-of-the-elections
- 15 - «بیانیه‌ی خواسته‌های زنان» ۶ مه ۲۰۱۷ (به فارسی)
- 16 - مصطفی معین «انتخابات ایران خطرات ریاض را خنثی کرد»، ایسنا، ۶ ژوئن ۲۰۱۷ (به فارسی) www.isna.ir/news/96031608397
- 17 - اندازند، «العربیة انگلیسی. صالح حمید، «فعالان ایرانی کمپین تحریم انتخابات ریاست جمهوری را به راه می‌اندازند»، ۱۶ مه ۲۰۱۷، <https://english.alarabiya.net/en/features/2017/05/16/Iranian-activists-launch-campaign-to-boycott-presidential-elections.html>
- 18 - لادن برومند، «داستان ناگفته»، ۷۲ - ۷۴